

حقوق بین الملل عمومی

دادماند دارای زبان واحد نبوده مسکنه ژنو بزبان فرانسه و سکنه زوریخ بزبان آلمانی و سکنه کریزن به زبان ایتالیائی متکلم میگردند و همچنین ممکن است اعضاء يك ملت در اراضی مختلفه متفرق باشند ولی در اینصورت چون مطیع حکومت واحدی نباشند متدرجاً اخلاق و عادات و رسوم جدیده کمب نموده ملیت اصلی خود را از دست می دهند

از آنچه در فوق مذکور گردید معلوم میشود که ملت و دولت دو چیز یکی مختلف است و کلامه دولت رشته روابط سیاسی و کلامه ملت رشته روابط معنوی را در نظر مجسم میدارد

ممکن است دول وجود پیدا کند بدون اینکه ملت واحدی آنها تشکیل داده باشد مانند دولت اطریش و مجارستان سابق که دولتی مرکب از چندین ملت بود و بالعکس ملتی موجود باشد بدون وجود دولت مخصوص مانند لهستان قبل از جنگ بین الدال یا ایتالیا قبل از ۱۸۶۰ مؤسسه ای که دارای شخصیت حقوقی بین الملل هستند

در مقابل دول که طبیعاً شخصیت حقوقی بین الملل را بنا بر صفات مخصوصه خود دارا هستند بعضی مؤسسات بنا به ملاحظات سیاسی مصنوعاً دارای این شخصیت گردیده اند از قبیل جامعه ملل و حکومت پاپ و ادارد بین المللی کارو کمیسیون اروپائی رود دانوب و غیره

فصل دوم

انواع دول

دول را از لحاظ ذیل بانواع مختلفه می توان

منقسم نمود:

حکمرانی داخلی یعنی حق تنظیم امور و ادارات و مؤسسات داخله کشور موافق صلاح ملت و این قسمت از حکمرانی همیشه کامل است

حکمرانی خارجی یعنی حق برقرار نمودن روابط با سایر دول برای حفظ و حراست منافع اتباع کشور یعنی حق سفارت حق مذاکره و انعقاد عهود و حق جنگ: این حکمرانی ممکن است در نتیجه عهود بین المللی محدود گردد

برای اینکه اجتماعی از نوع بشر حق بهره مند شدن از مقررات حقوق بین الملل یعنی حق شخصیت حقوقی بین المللی را دارا باشد باید بتواند از حکمرانی خارجی کاملاً بهره مند گردد لهذا دول جزء دولت متحده از قبیل نواحی دولت سویس و ممالک جزو اتازونی و دولی که دارای اتصال حقیقی هستند مانند اطریش و مجارستان سابق شخصیت حقوقی بین المللی را دارا نمیباشند

دول ناقص الاستقلال چنانکه بعدها مذکور خواهد گردید حق اعمال حکمرانی خسارچی را دارا نبوده و فقط از اجرای آن حق در کشور خود میتوانند بهره مند شوند و برای آنها شخصیت حقوقی بین المللی را دارا باشند این اندازه کافی است و آنها حکم سفار را داشته و بعضی اختیارات از آنها سلب شده است

ملت عبارت از اجتماعی از نوع بشر است که اصل و نسب و رسوم و عادات و آرزو و آمال آنها ز هر حیث یکی است

معمولاً اعضاء تشکیل دهنده يك ملت بیک زبان متکلم و در يك اراضی سکنی دارند ولی خلاف اینهم ممکن است چنانکه نواحی که جمهوری سویس را تشکیل

این وضعیت تا ۱۲۰ اکتبر ۱۹۰۸ برقرار ماند و در این تاریخ دولت کنگو بدولت بلجیک منضم گردیده و امروز مستمره آندولت محسوب میشود. فعلا نمونه از اتصال شخصی وجود ندارد

موافق تعریف فوق اتصال شخصی دارای دو سمت متمیز است یعنی اولاً وضعیت آن موقتی است و با فوت پادشاه یا انقراض سلسله آن از بین میرود

ثانیاً شخصیت مخصوصه هر يك از دولتین از حیث تشکیلات داخلی و روابط خارجی باقی و برقرار میماند و فقط در شخص سلطان شرکت بین آنها وجود پیدا میکند و ممکن است سلطان مذکور در یکی از مملکتین مرافقی اصلی مشروطیت و در کشور دیگر مرافق اصلی استبداد حکمرانی نماید. این قبیل دولت در ادوار سابقه چنانکه دیدیم گاهی وجود خارجی پیدا میکرد ولی با ترتیبی که امروزه در عالم برقرار گردیده است من بعد تشکیل آن قابل تصور نمیباشد

۲ - اتصال حقیقی - هر گاه دو دولت بطور دائم تحت اداره سلطان واحدی قرار گیرند در سورتیکه در داخله هر يك شخصیت خود را محفوظ داشته و قانون اساسی و حکومت مخصوصی دارا باشند ولی در روابط خارجی دولت واحدی تشکیل دهند دارای اتصال حقیقی خواهند بود

تنها نمونه که تا قبل از جنگ بین المللی ۱۹۱۴ از این قبیل دول در عالم وجود داشت دولت اطریش و مجارستان بود که انقراض آن در نتیجه عهدنامه ۱۹۱۸ عملی گردیده و دول اطریش و مجارستان و چک و اسلواکی از آن تشکیل و مقداری از اراضی آن ضمیمه لهستان رومانی و ایتالیا و سرستان گردید

تا ۱۹۰۵ دولتین سوئد و نروژ نیز دارای چنین وضعیتی بودند ولی در ۲۶ اکتبر ۱۹۰۵ در نتیجه اختلافی که بین آنها تولید گردید دوستانه از یکدیگر مجزا گردیدند.

- اول - از لحاظ ترکیب
- دوم - از لحاظ حکمرانی
- سوم - از لحاظ وضع حکومت
- چهارم - از لحاظ قدرت

فقره اول

انواع دول از لحاظ ترکیب

دول بسیطه و دول مرکبه - دول یا بسیطاند یا مرکب. دولتی را در صورتی بسیط گویند که از هر حیث دولت واحد متجانس غیر قابل تقسیمی باشد مانند فرانسه و ایتالیا و دولتی را مرکب خوانند که از اتصال دو یا چند دولت بوجود آمده باشد

اقسام مختلفه دول مرکبه - دول مرکبه به

اشکال مختلفه ذیل ظاهر میگردند:

- ۱ - اتصال شخصی
- ۲ - اتصال حقیقی
- ۳ - اتصال منظمی
- ۴ - دول مجتمع
- ۵ - دول متحد

۱ - اتصال شخصی - چون دو دولت برای مدت محدود یعنی در تحت حکومت سلطان واحدی قرار گیرند مثلاً برای مدت سلطنت شخصی یا خانوادگی آن سلطان اتصال شخصی تشکیل داده اند

تا ۲۳ نوامبر ۱۸۹۰ یعنی تا فوت کیوم سوم پادشاه هلند بین این دولت و کران دوشه لو کزامبرک اتصال شخصی برقرار بود و همچنین از ۱۷۱۴ الی ۱۸۳۷ بین دولت انگلیس و دولت هانور چون در ۱۸۳۷ و در ۱۸۹۰ سلطنت انگلیس و هلند به هم دو ملکه محول گردید و سلطنت نسوان برخلاف مقررات قوانین اساسی دولتین هانور و لو کسامبورک بود دول مذکور از یکدیگر مجزا گردیدند

در ۱۸۸۵ لئوپولد ثانی پادشاه بلجیک مجاز گردید که سلطنت کنگو آزاد را Congo نیز قبول نماید و